

بررسی نقش میانجی بینش شناختی در رابطه بین طرحواره‌های اولیه و سبک‌های دلبستگی با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی

نگین رحمانی^{۱*}، محمدعلی گودرزی^۲، محمدرضا تقیوی^۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی: بررسی نقش واسطه‌ای بینش شناختی است. **روش:** طرح تحقیق حاضر از نوع همبستگی (رگرسیون) بود. جامعه‌آماری پژوهش حاضر را کلیه افراد متأهل شهر اصفهان تشکیل می‌دادند که از این تعداد، ۵۶۳ نفر به عنوان حجم نمونه بالاستفاده از فرمول بارون کنی به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و وارد پژوهش شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال کولینز و رید، پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (فرم کوتاه)، پرسشنامه زوجی اینریچ و مقیاس بینش شناختی بک بود که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بودند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد دلبستگی ایمن با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۲۴۵ - بیشترین نقش را در پیش بینی ارتباطات داشت. که در حضور متغیر بینش شناختی هم با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۱۴۰ - نقشی در پیش بینی ارتباطات دارد. همچنین بینش شناختی در رابطه‌ی بین طرحواره‌های اولیه و ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. حد و مرز مختلف با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۹۵ - بیشترین نقش را در پیش بینی ارتباطات داشت. متغیر گوش به زنگی با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۱۹۲ - و متغیر خودگردانی با با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۰۸۹ در حضور متغیر بینش شناختی نقش معناداری در پیش بینی ارتباطات داشتند.

کلیدواژه: بینش شناختی، سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ارتباطات زناشویی.

۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی‌بالینی، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(nrahmanii20@gmail.com)

۲ دکتری روان‌شناسی، استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳ دکتری روان‌شناسی، استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران



مقدمه:

در خانواده، افراد تحت تأثیر دیدگاهها و بینش‌های همدیگر هستند. وقتی که افراد به تازگی ازدواج کرده‌اند، تفاوت میان آن‌ها باعث می‌شود از دیدن هم دچار هیجان گردند و این تعامل به رشد و شخصیت‌شان کمک می‌کند. ازدواج سالم با بسیاری از نتایج مثبت سلامت جسمی و روانشناختی از جمله ابتلای کمتر به بیماری‌های جسمانی مزمن و خودگزارشی بیشتر درباره بهزیستی به‌طور کلی مرتبط است (کارر و اسپرینگر^۱، ۲۰۱۰). ارتباطات زناشویی^۲ کارهایی است که زن و مرد برای اهداف مشترک انجام می‌دهند و رضایت‌زنشویی، جنبه‌ی مهمی از آن است که نقش بسزایی در سلامت روانشناختی زوجین (طلایی‌زاده و بختیارپور، ۲۰۱۴)، ارتقاء سلامت جامعه (غفوریان و مهدویان، ۱۴۰۰) و استحکام کانون خانواده دارد (ترابی و زرائی، ۱۳۹۹). اما زندگی مشترک همیشه در معرض انواع آسیب‌هایی قرار دارد که می‌تواند یک زندگی شیرین و دلچسب را سرد، بی‌روح و کسل کننده کند و پیامدهای نامطلوبی را در زندگی زناشویی به همراه داشته باشد، از جمله اعتیاد، خودکشی، بیماری‌های جسمی و روانی، همچنین افت تحصیلی و بزهکاری فرزندان (حاجی‌شریفی، ۱۳۹۰) در چنین وضعی سلامتی، آرامش روانی و رضایت‌زنشویی که کارایی اصلی خانواده هستند کاهش می‌یابند، لذا پژوهش‌های متعددی به عوامل موثر بر ابعاد ارتباطات زناشویی پرداختند.

پیاژه^۳ (۱۹۷۳) و بالبی^۴ (۱۹۶۹) بر این عقیده‌اند که عملکرد والدین منجر به شکل‌گیری و گسترش طرحواره‌های فرد به معنی مدل‌هایی درون سازمان شناختی فرد می‌شوند و نقش این طرحواره‌ها را در ارزیابی‌ها و تفاسیر فرد در زندگی می‌توان دنبال کرد. طرحواره‌ها به صورت خودکار و بدون آگاهی بر سیستم ادراکی افراد تأثیر می‌گذارند و برای تفسیر اطلاعات و حل مسئله به کار می‌روند (سادوک و سادوک، ۲۰۱۵). طرحواره‌ها می‌توانند سازگار یا ناسازگار باشند. طرحواره‌های ناسازگار موجب افکار خودآیند منفی و اختلالات روانی می‌گردند (جفری^۵، ۱۹۹۰).

طرحواره‌ها در پنج حوزه قرار گرفته‌اند: حوزه‌های انفصال و طرد (این افراد قادر به ایجاد دلبستگی ایمن با دیگران نیستند و معتقدند مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند)، خودگردانی و عملکرد مختلط (فکر می‌کنند بدون کمک دیگران، از عهده‌ی کارهایشان برنمی‌آیند)، حد و مرزهای مختلط (این افراد در ذهنشان محدودیت‌هایی درباره خویشتن‌داری و احترام متقابل ندارند)، هدایت‌شدن توسط دیگران (باعث می‌شود به جای پرداختن به نیازهای خود، به نیازهای دیگران با هدف تداوم

1 Carr, Springer

2 Marital Relationship

3 piaget

4 Bowlby

5 jeffery



رابطه هیجانی و اجتناب از انتقام رسیدگی کنند)، گوش به زنگی بیش از حد(غالباً تأکیدشان به جنبه های منفی زندگی است و رفتار، احساس و روابط بین فردی خودانگیخته محدودی دارند) (شاعبان، پیوستگار و خسروی، ۱۴۰۰، جفری، ۲۰۰۳).

شکری، نوابنژاد و دلاور(۲۰۲۰) به پیش‌بینی عملکرد خانواده بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه پرداختند و دریافتند با کاهش درجه طرحواره‌ها و تقویت الگوهای ارتباطی زوجین عملکرد خانواده بهبود می‌یابد.

منصوره نصیره‌رنده، بهنام مکوندی، ساسان باوی و رضا پاشا(۱۴۰۱) به مقایسه تاثیر درمانهای طرحواره‌درمانی و درمان متمرکز بر شفقت بر رضایت از زندگی زناشویی و طرحواره‌های ناسازگار در زنان پرداختند. جامعه آماری آنها شامل دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد بود که به روش دردسترس انتخاب و در دو گروه آزمایشی و گواه گماشته شدند. قبل از اجرای درمان به سوالات دو پرسشنامه رضایت‌زنشویی و طرحواره‌های ناسازگار پاسخ دادند سپس طی ۸ جلسه تحت درمان قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره تحلیل شدند و نتایج حاکی از اثربخشی طرحواره‌درمانی بر ۴ حوزه از ۵ حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بودند.

مهرپویا، جاجرمی، علیزاده موسوی(۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان روابط بین ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی زوجین: نقش میانجی الگوهای ارتباطی پرداختند. این مطالعه همبستگی بر روی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی مشهد با بیش از ۳ سال زندگی زناشویی در سال ۹۸-۹۷ انجام شد. ۳۰۰ نفر بر اساس روش آماری تحقیق بر اساس متغیرهای پنهان شرکت کردند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز(۱۹۹۷)، پرسشنامه طرحواره ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۹۸) و پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالاوی (۱۹۸۴) جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش معادلات ساختاری انجام شد. بررسی ضرایب استاندارد شده اثرات غیرمستقیم نشان داد که تأثیر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعهد زناشویی با نقش میانجی الگوهای ارتباطی معنادار است همچنین طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کنند.

اسماعیلی، محمدی و حکامی(۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس طرحواره ناسازگار اولیه در زنان متاهل پرداختند. پس از تکمیل پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ توسط شرکت کنندگان، آزمون‌های توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون، آزمون تی، آزمون آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد. آنها دریافتند که طرحواره محرومیت‌هیجانی و استانداردهای سخت‌گیرانه رضایت زناشویی را به طور منفی پیش‌بینی می‌کنند و در بهبود یا پسرفت رضایت‌زنشویی نقش دارند (۱۵).

از دیگر مؤلفه‌هایی که در زمینه تعارضات زناشویی تأثیر به سزاگی دارد، در این بین نظریات مبتنی بر سبک‌های دلبستگی نشان می‌دهند ارتباط اولیه درون محیط خانواده از سبک دلبستگی خاصی حمایت می‌کند که بر روابط بین فردی زوجین



در بزرگسالی تاثیرگذار است. کیفیت ارتباط و دلبستگی شخص به دیگران تعیین‌کننده‌ی سلامت روانی اوست. بالبی^۱ و اینسورث^۲ براین اعتقادند که در همه‌ی افراد احساس دلبستگی پدید می‌آید و دلبستگی شدید مبنای رشد عاطفی و اجتماعی سالم در دوران بزرگسالی را بنا می‌کند. اینسورث اظهار داشت که دلبستگی ایمن موجب تسهیل عملکرد و شایستگی در روابط بین فردی می‌شود (حسینی‌حسین‌آباد، قرابی‌بناب، مشایخ، سوداگر و فرخی، ۱۴۰۲، کریم، ۲۰۱۷). مطالعات نعمتزاده، وزیری و لطفی کاشانی (۱۳۹۹) در بررسی مدل یابی صمیمیت زناشویی براساس سبکهای دلبستگی نیز نشان دادند رفتارهای مراقبتی و مدارا در دلبستگی ایمن^۳ باعث نشاط و رضایت‌زننشویی می‌گردند. در این پژوهش ۳۸۵ نفر به روش دردسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های صمیمیت‌زننشویی تامپسون و واکر و پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز رید را پاسخ دادند و از ازمون همبستگی و تحلیل رگرسیون و معادلات ساختاری جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. همچنین افراد دارای سبک مضطرب-دوسوگرا^۴، افکار وسوس‌گونه‌ای درباره همسر و هم‌مان حسادت زیادی دارند و آمار طلاق در آنها بالاست. افراد با سبک دلبستگی اجتنابی^۵ با وجود احساس تنها‌ی اما بخاطر ترس از صمیمیت به رابطه نزدیک توجهی نمی‌کنند و به هنگام تعارض در روابط‌شان، کناره‌گیری می‌کنند. فروپاشی ارتباطات بر اثر انحصار طلبی و طرد شدگی برای آن‌ها زیاد رخ می‌دهد (سادوک و سادوک، ۱۴۰۱).

لاهیجی و بشارت (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود تحت عنوان پیش‌بینی کارکرد خانواده و کیفیت‌زنندگی برپایه‌ی شیوه‌های دلبستگی زوجین، بین دلبستگی ایمن با کارکرد خانواده و کیفیت زندگی رابطه‌ای مثبت و بین دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی با آن دو مؤلفه رابطه‌ای منفی را گزارش کردند. در بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی بر روابط عاشقانه سیمپسون به این نتیجه رسید که سبک دلبستگی ایمن با وابستگی بیشتر به رابطه، تعهد، اعتماد و رضایت بیشتری همراه است (سیمپسون، ۱۹۹۰).

باتوجه به آخرین تحقیقات از جمله پژوهش عدل‌پرور، صفاتی‌راد، عرفانی و جدیدی (۱۴۰۱) می‌توان با شناخت طرح‌واره‌های ناسازگار‌اویله، سبک دلبستگی و تقابل عناصر درون‌روانی آن‌ها، روابط زوجین را بهبود بخشید و از مؤلفه‌ی بینش برای فهم آن‌ها و آینده‌ی ازدواج استفاده کرد. بینش بر دو نوع است: بینش‌باليينی و بینش‌شناختی. بینش باليينی نشان‌دهنده توانایی شخص در هشیاری نسبت به بیماری است. بینش شناختی با ظرفیت مورد نقد قرار دادن باورها^۶ و عقاید مرتبط است (بک، کاولتی، کاورجیک، کلیم و وث، ۱۴۰۱).

باورهای ناکارآمد از جمله باورهایی درباره نزدیکی زیاد به دیگران با رضایت‌زننشویی همبستگی دارند (حمامچی، ۱۴۰۰).

۱ Bowlby

۲ Ainsworth

۳ Crain

۴ Secure attachment

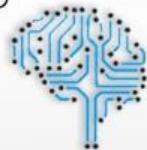
۵ Ambivalent attachment

۶ Avoidant attachment

۷ Simpson

۸ beliefs

۹ Beck, Cavelti, Kvrgic, Kleim, Vauth



نظریه رفتار عاطفی-عقلانی^۱ معتقد است علت روابط‌ناشویی آسیب‌دیده، انتظارات غیرواقعی همسران از خود، دیگری و روابط‌ناشوییشان است (الیس^۲، ۱۹۸۹). هانيا و امجد^۳(۲۰۱۶) نیز در مطالعه خود تاثیر باورهای ضمنی در پیش‌بینی رضایت‌زاوشویی را تایید کردند. باور به سودمندی ازدواج با رضایت از زندگی عمومی و حوزه‌های خاص بررسی شده مرتبط است (بهزادی‌پور، پاکدامن و بشارت، ۱۳۸۸).

با توجه به مروری که بر تحقیقات گذشته صورت گرفت، هدف مطالعه حاضر پاسخ دادن به این پرسش است که آیا شبکهای دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به طور مستقیم بر ارتباطات‌زاوشویی تاثیرگذار هستند یا با میانجی‌گری متغیر بینش‌شناختی تاثیر خود را اعمال می‌کنند و تا چه اندازه با واسطه‌گری متغیر بینش‌شناختی قابل تبیین و پیش‌بینی هستند؟

روش پژوهش و ابزار پژوهش:

طرح تحقیق حاضر از نوع همبستگی(رگرسیون) بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه افراد متاهل شهر اصفهان تشکیل می‌دادند که از این تعداد، ۵۶۳ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و وارد پژوهش شدند. ملاک‌های ورود شامل حداقل تحصیلات سیکل و بازه سنی ۱۸ تا ۸۰ سال بود و می‌بایست آزمودنی‌ها در فرآیند جدایی نباشند. پس از توضیحات لازم در رابطه با پژوهش و کسب رضایت شرکت‌کنندگان، پرسشنامه‌های ذیل در اختیار آن‌ها قرار گرفت؛

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگ‌سال کولینز و رید^۴: نوعی پرسشنامه خودارزیابی مهارت‌های شکل‌دهی ارتباط و ارتباطات دلبستگی است. شامل ۱۸ سؤال می‌باشد که در یک طیف از «به هیچ وجه با ویژگی‌های من انطباق ندارد(۱)» تا «کاملاً منطبق با ویژگی‌های من است: (۵)» علامت‌گذاری می‌شود. ۶ سوال به سنجش دلبستگی اینمن، عسوال جهت سنجش سبک دلبستگی اجتنابی و عسوال به سنجش دلبستگی دو سوگرا مرتبط است. کولینز و رید آلفای کرونباخ برای هر زیرمقیاس را بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۵ در ۳ نمونه از دانشجویان در فاصله ۲ تا ۸ ماه گزارش کردند که با توجه به این مقادیر آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. پاکدامن نیز با استفاده از روش آزمون مجدد و همبستگی در نمونه‌ای از دانش‌آموزان دختر و پسر نتیجه گرفت که اعتبار آزمون ۰/۹۵ می‌باشد (۲۷).

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه(فرم کوتاه)^۵ : یانگ(۱۹۹۴) به منظور سنجش طرحواره‌های ناسازگار اولیه ساخته است (۱۰) و شامل ۶۷ گویه با ۱۲ خرده مقیاس می‌باشد که خرده مقیاس‌های آن شامل شکست/وابستگی، انزوای اجتماعی/بازداری هیجانی، جلب توجه، محرومیت هیجانی، نقص، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، به هم‌ریختگی،

1 Rational emotive behavior theory

2 Ellis

3 Hania, Amjad

4- Revised Adult Attachment Scale(RAAS)

5 maladaptive schemas questionnaire (YSQ)



خود قربان‌گری، ترک شدگی، تنبیه/ معیارهای سخت‌گیرانه، استحقاق و بی‌اعتمادی می‌باشد. نمره گذاری این پرسشنامه از نوع طیف لیکرت از «در مورد من کاملاً غلط است» تا «در مورد من کاملاً صحیح است» می‌باشد (۹).

یوسفی و همکاران (۲۰۱۰)، بر روی نمونه ای ۵۷۹ نفری، پایابی آن را با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ و دو نیمه‌سازی به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۶ گزارش کردند. بالاترین مقدار آلفای کرونباخ به مؤلفه بیگانگی و پایین‌ترین میزان به مؤلفه خویشتنداری ناکافی مربوط است که به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۱ می‌باشند (۲۸).

غیاشی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود به منظور بررسی روایی همزمان نشان دادند که ضرایب همبستگی و آلفای کرونباخ در بیشتر عامل‌ها، به جز عامل استحقاق معنادار است (۲۹).

پرسشنامه زوجی اینریچ^۱: با هدف ارزیابی ابعاد قوت یا مشکل‌زا در ارتباطات زناشویی تهیه شده و جهت تشخیص زوج‌هایی به کار می‌رود که برای تقویت رابطه خود نیازمند مشاوره هستند. پرسشنامه اینریچ شامل ۳۵ سؤال در ۴ حیطه و بر اساس طیف لیکرت با نمرات ۱ تا ۵ است که شامل سنجش رضایت زناشویی (میزان رضایتمندی از حوزه‌های مختلف ارتباط با همسر)، تحریف آرمانی (ایده‌آل سازی رابطه‌زنشویی)، حل تعارض (روش‌های حل اختلاف با همسر) و ارتباطات (مهارت‌های لازم ارتباطی) می‌باشد. برای تحلیل پرسشنامه از دو روش استفاده می‌شود: ۱- تحلیل از طریق مؤلفه‌های پرسشنامه ۲- تحلیل با استفاده از نمره‌های به دست آمده. روایی پرسشنامه در پژوهش ترابی سنجیده شده و ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۹۶ برآورد شده است (۳۰).

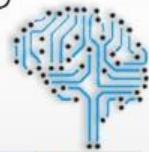
مقیاس بینش شناختی بک^۲: توسط بک و همکاران برای سنجش بینش شناختی تدوین شده که دو عامل اطمینان به خود و خود-اندیشمندی را در یک مقیاس ۴ درجه‌ای از «اصلاً موافق نیستم» تا «کاملاً موافقم» می‌سنجد. این مقیاس شامل دو مجموعه سؤال است که مؤلفه‌ی خوداندیشمندی شامل گویه‌هایی در ارتباط با واقع بینی، اندیشمندی و پذیرندگی به بازخوردها است و برای سنجش شناخت، خط‌پذیری و درون نگری به کار می‌رود.

دومین مجموعه‌ی گویه‌ها با عامل اطمینان به خود هماهنگ است که جهت توجه به تصمیم‌گیری‌های آزمودنی تهیه شده است و اطمینان بیمار به باورها، قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌های شخصی و مقاومت او در مقابل بازخوردهای افراد دیگر را ارزیابی می‌کند. شاخص بینش شناختی را با کسر امتیاز عامل اطمینان به خود از عامل خود-اندیشمندی می‌توان به دست آورد.

این مقیاس برای اولین بار توسط یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) ترجمه و ازلحاظ روایی و اعتبار مورد بررسی قرار گرفته. هماهنگی درونی گویه‌های فرم اصلی بوسیله سازندگان برای زیرمقیاس خوداندیشمندی و اطمینان به خود به ترتیب برابر با آلفای کرونباخ ۰/۶۸ و ۰/۷۰ گزارش شده بود. در تحقیق یوسفی و همکاران نیز آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های خود اندیشمندی و اطمینان به خود به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۷۹ بدست آمده است. همچنین اعتبار (ضریب

1 Enrich Couple Questionnaire (ESQ)

2 Beck Cognitive Insight Scale (BCIS)



پایابی) مقیاس با روش دونیمه کردن $= ۰/۷۲$ و با روش بازآزمایی $= ۰/۶۹$ بدست آمده بود. روایی همزمان مقیاس بینش‌شناختی بک نیز توسط مقیاس سنجش آگاه نبودن از اختلال روانی که $= ۰/۸۶$ توسط سازندگان آن گزارش شده بود، در مطالعه یوسفی و همکاران ضریب همبستگی برابر با $= ۰/۸۳$ بدست آمد (۳۱).

یافته‌ها:

جدول ۱) میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه

انحراف معیار	میانگین	عامل خالص
۶/۹۴	۳۱/۳۵	رضایت زناشویی
۵/۰۱	۲۵/۹۱	ارتباطات
۵/۱۸	۲۱/۹۲	حل تعارض
۳/۰۲	۱۵/۰۳	تحریف آرمانی
۲/۹۵	۶/۶۸	دلبستگی اجتنابی
۲/۹۱	۸/۰۵	سبک دلبستگی ایمن
۲/۶۸	۱۲/۸۲	سبک دلبستگی دوسوگرا
۵/۶۲	۲۷/۵۶	دلبستگی (کل)
۴/۳۳	۱۲/۶۳	خوداندیشمندی
۳/۰۱	۸/۴۰	اطمینان به خود
۶/۰۵	۲۱/۰۳	بینش شناختی

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود میانگین رضایت شغلی و دلبستگی (کل) از تمام متغیرهای مورد پژوهش در این بالاتر است، انحراف معیار متغیرهای رضایت شغلی زناشویی و بینش شناختی نیز از سایر متغیرها بیشتر است.

فرضیه اول: بین سبک‌های دلبستگی با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی ارتباط وجود دارد.

جدول ۲) نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی ارتباطات بر اساس مولفه‌های دلبستگی

P	t	R^2	R	ضریب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		متغیر
					Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰	۲۹/۶۰			-	۳/۲۴	۹۶/۰۶	(ثابت)



۰/۰۰	-۴/۴۷	۰/۴۰۲	۰/۱۶۱	-۰/۱۸۶	۰/۲۰۷	-۰/۹۲	دلبستگی اجتنابی
۰/۰۰	-۵/۹۱			-۰/۲۴۵	۰/۲۰۷	-۱/۲۳	دلبستگی ایمن
۰/۰۰	۵/۱۴			۰/۲	۰/۲۱۳	۱/۰۹۵	دلبستگی دوسوگرا

مندرجات جدول (۲) نشان داد که دلبستگی ایمن با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۲۴۵ و سطح معناداری ۰/۰ بیشترین نقش را در پیش بینی ارتباطات داشت. هم چنین دلبستگی دوسوگرا با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۲ و سطح معناداری ۰/۰۰، و دلبستگی اجتنابی با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۱۸۶ - و سطح معناداری ۰/۰۰، نیز نقش معناداری در پیش بینی ارتباطات دارد.

فرضیه دوم: بیش شناختی در ارتباط سبک های دلبستگی با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی نقش میانجی دارد.

جدول (۳) نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش بینی ارتباطات بر اساس مولفه های دلبستگی در حضور متغیر بیش شناختی

P	t	R^2	R	ضریب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		متغیر
					Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰	۱۱/۷۸	۰/۵۳۴	۰/۲۸۶	-	۴/۹۰	۵۷/۸۲	(ثابت)
۰/۲۹۲	-۱/۰۵۵			-۰/۰۴۳	۰/۲۰۴	-۰/۲۱۶	دلبستگی اجتنابی
۰/۰۰	-۳/۵۳			-۰/۱۴۰	۰/۲۰۱	-۰/۷۰۹	دلبستگی ایمن
۰/۰۱	۳/۴۳			۰/۱۲۶	۰/۲۱۳	۱/۰۹۵	دلبستگی دوسوگرا
۰/۰۰	۹/۸۴			۰/۴۱۲	۰/۰۷۲	۰/۷۰۷	بیش شناختی

مندرجات جدول (۳) نشان داد که دلبستگی ایمن با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۱۴۰ - و سطح معناداری ۰/۰۰ در حضور متغیر بیش شناختی هم، نقشی در پیش بینی ارتباطات دارد. متغیر دوسوگرا نیز با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۱۲۶ و سطح معناداری ۰/۰ در حضور متغیر بیش شناختی هم، نقشی در پیش بینی ارتباطات دارد. ولی متغیر دلبستگی اجتنابی با سطح معناداری ۰/۲۹۲ در حضور متغیر بیش شناختی هم، نقشی در پیش بینی ارتباطات ندارد. این نتایج نشان دهنده تایید نقش واسطه‌ای بیش شناختی در رابطه‌ی بین طرحواره‌های اولیه و ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی می‌باشد.



فرضیه سوم: بین طرحواره های اولیه با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی ارتباط وجود دارد.

جدول (۴) نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش بینی ارتباطات بر اساس طرحواره ها

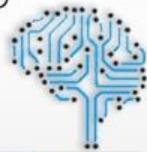
سطح معنی داری	t	Beta استاندارد	ضرایب غیراستاندار		عامل
			SD	B	
۰/۰۰	۴۹/۵۱	-	۲/۲۶	۱۱۲/۳۰	مقدار ثابت
۰/۳۲	۰/۹۹	۰/۰۶	۰/۴۷	۰/۴۶	انفال
۰/۹۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۰۰	خودگردانی
۰/۰۰	- ۶/۰۲	-۰/۳۴۱	۰/۰۷۳	-۰/۴۴۲	گوش به زنگی
۰/۰۴	- ۲/۰۱	-۰/۹۵	۰/۷۹	-۰/۱۶	حد و مرز مختل

مندرجات جدول (۴) نشان داد که حد و مرز مختل با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۹۵ - و سطح معناداری ۰/۰۴ ، بیشترین نقش را در پیش بینی ارتباطات داشت. هم چنین گوش به زنگی با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۰/۳۴۱ - و سطح معناداری ۰/۰۰ ، نیز نقش معناداری در پیش بینی ارتباطات داشت ولی خودگردانی با سطح معناداری ۰/۹۹ ، و هم چنین انفال با سطح معناداری ۰/۰۶ ، نقش معناداری در پیش بینی ارتباطات نداشتند.

فرضیه چهارم: بینش شناختی در ارتباط طرحواره های اولیه با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی نقش میانجی دارد.

جدول (۵) نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش بینی ارتباطات بر اساس طرحواره ها در حضور متغیر بینش شناختی

سطح معنی داری	t	Beta استاندارد	ضرایب غیراستاندار		عامل
			SD	B	
۰/۰۰	۱۰/۴۱	-	۵/۵۹	۵۸/۲۶	مقدار ثابت
۰/۱۲۱	۱/۵۵	۰/۰۸۶	۰/۰۴۳	۰/۰۶۶	انفال
۰/۱۳۶	۱/۴۹	۰/۰۸۹	۰/۰۵۷	۰/۰۸۵	خودگردانی
۰/۰۰	- ۳/۵۶	-۰/۱۹۲	۰/۰۷	-۰/۲۴۹	گوش به زنگی
۰/۶۴۹	- ۰/۴۵۵	۰/۹۵	۰/۰۷۴	-۰/۰۳۴	حد و مرز مختل
۰/۰/۰	۱۰/۴	۰/۴۷۰	۰/۰۷۷	۰/۸۰۶	بینش شناختی



مندرجات جدول (۵) نشان داد که حد و مرز مختل با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۹۵/۰ و سطح معناداری ۶۴۹/۰ در حضور متغیر بینش شناختی هم، دیگر نقشی در پیش بینی ارتباطات ندارد. ولی متغیر گوش به زنگی با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۹۲/۰ - و سطح معناداری ۰/۰۰ نقش معناداری در پیش بینی ارتباطات داشت از طرفی متغیر خودگردانی با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۸۹/۰۰ و سطح معناداری ۱۳۶/۰، هم چنین انفال با ضریب رگرسیونی استاندار شده ۸۶/۰۰ و سطح معناداری ۱۲۱/۰، نقش معناداری در پیش بینی ارتباطات نداشتند، که این نتایج نشان دهنده تایید نقش واسطه‌ای بینش شناختی در رابطه‌ی بین طرحواره‌های اولیه و ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی می‌باشد.

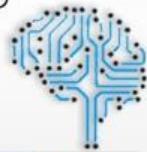
بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی بینش شناختی در رابطه بین طرحواره‌های اولیه با ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی بود. نتایج نشان داد که بین ابعاد ارتباطات زناشویی با اکثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در حوزه‌های طرد و بردگی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری رابطه معناداری وجود دارد و تنها طرحواره‌های شکست، محرومیت، نقص و به هم ریختگی با تحریف آرمانی رابطه معناداری را نشان ندادند. همچنین، طرحواره‌های تنبیه و استحقاق نتوانستند رضایت‌زنایی را پیش‌بینی کنند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای فراگیری هستند که موجب سوگیری‌هایی در روابط می‌شوند و باعث عدم سودمندی در روابط بین فردی و در نتیجه تجربه عدم رضایت زناشویی می‌شوند، چراکه این طرحواره‌ها اطلاعات را پردازش کرده و تعیین کننده‌ی عکس العمل‌های عاطفی افراد در روابط و موقعیت‌های زندگی هستند.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش شکری و همکاران (۲۰۲۰)، نصیره‌رند و همکاران (۱۴۰۱)، اسماعیلی و همکاران (۲۰۱۶) در ارتباط با اثرگذاری طرحوارها بر ارتباطات زناشویی همسوست.

یافته‌ها نشان می‌دهند علاوه بر تاثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و بینش شناختی نیز بر ابعاد ارتباطات زناشویی موثرند.

در تبیین نتایج پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه بین رضایت زناشویی، تحریف آرمانی، حل تعارض و ارتباطات با دلبستگی اجتنابی و ایمن می‌توان چنین اشاره کرد که سبک‌های دلبستگی همچون چارچوبی هستند که بر ادراک فرد از جهان و روابط او تاثیرات گسترده‌ای را می‌گذارند. افراد با دلبستگی اجتنابی با وجود احساس تنها‌یی می‌کنند ولی دچار ترس از صمیمیت هستند، در نتیجه شاهد شیوع زیاد فروپاشی در روابط این افراد هستیم. افراد با دلبستگی ایمن در رفتارشان توجه زیادی را ابراز می‌دارند و به انحصار طلبی و طردشدنی رو نمی‌آورند و همچنین افراد با سبک دلبستگی مضطرب-دوسوگرا با انتظارات حداقلی برای دریافت حمایت‌های اجتماعی و ترس از طرد شدن در روابط ظاهر می‌شود و در زمانیکه یکی از زوجین دوسوگرا و دیگری اجتنابی باشد میزان رضایت‌زنایی به میزان زیادی کاهش می‌یابد چراکه افراد دوسوگرا افکاری مبنی بر خطر بی‌وفایی همسر دارند و در بی‌آن با چسبندگی و کنترل زیاد همسر موجب سلب آرامش



و خودمختاری وی می‌شوند و فرد مقابل که دارای سبک دلستگی اجتنابی است به شدت از روابط نزدیک گریزان است که این مسائل با ایجاد اختلال در فرایندهای ارتباطی وایده‌آل سازی رابطه و توانایی حل اختلافات موجب کاهش رضایت-زنashویی در زوجین می‌شوند. در حالیکه اگر هردو نفر سبک دلستگی یکسانی داشته باشند بخاطر تجانس در ویژگیهایشان و درک بهتر طرف مقابل، مشکلات زناشویی کمتری را گزارش خواهند کرد. آشکار است که زوجینی با سبک دلستگی ایمن بدلیل آسودگی و اعتماد به دنیا و حل موثر اختلافات رضایت‌زنashویی بیشتری را تجربه می‌کنند. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های بشارت و لاهیجی(۱۳۹۶) که بیان کردند سبک دلستگی ایمن با رضایت‌زنashویی ارتباط مثبت معناداری دارد و سبک دلستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت‌زنashویی ارتباط منفی معناداری دارند همسو است. همچنین با پژوهش های نعمت‌زاده و همکاران(۱۳۹۹) و سیمپسون(۱۹۹۰) که تاثیر سبک‌های دلستگی را بر کارکرد خانواده و تعهد و فادری مطالعه کرده‌بودند، همسو است.

علاوه بر این بینش‌شناختی که ظرفیت مورد انتقاد قرار دادن باورها و عقاید است، می‌تواند در فرد به شناخت نسبت به چهارچوبهای ادراکی و سبک‌های دلستگی که انتظارات و رفتارهای او در مقابل همسر را شکل می‌دهد منجر شود و نقش موثری را در افزایش کیفیت ارتباطات، بهزیستی و حتی سلامت جسمانی ایفا نماید. طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته انتظارات غیرواقع‌بینانه باعث ناکامی در روابط می‌شوند و تاثیرگذاری باورهای ضمی در پیش‌بینی رضایت‌زنashویی موضوعی تایید شده است که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های حمامچی(۲۰۰۵)، هانیاو امجد(۲۰۱۶) و عدلپور و همکاران(۱۴۰۱) همسو است.

به طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که سبک‌های دلستگی ایمن و نایمن اجتنابی می‌توانند ابعاد ارتباط زناشویی را پیش-بینی کنند. همچنین با ورود متغیر بینش شناختی به معادله رابطه سبک‌های دلستگی با بعد حل تعارض، ارتباطات، رضایت‌زنashویی میانجی‌گر کامل است. سبک دلستگی ایمن نسبت به سبک دلستگی اجتنابی با تعهد، اعتماد و رضایتمندی همراه است. سبک‌های دلستگی دوسوگرا و اجتنابی با هیجانات مثبت کمتر و هیجانات منفی بیشتر در رابطه همراه هستند. پس می‌توان برخلاف عقاید بسیاری از افراد مبتنی بر تاثیرپذیری کم رفتارهای کنونی از دوران کودکی بر این نظریه تاکید کرد که خانواده از سبک دلستگی خاصی حمایت می‌کند و نوع دلستگی دوران کودکی به رشد عاطفی و اجتماعی دوران بزرگسالی جهت می‌دهد که می‌توان تاثیر آن را تا رضایت از ابعاد مختلف ارتباطات زناشویی پیگیری کرد. بینش نسبت به رابطه سبک‌های دلستگی و ارتباطات زناشویی باعث کاهش پریشانی روان‌شناختی و افزایش سلامت- عمومی و رضایت‌زنashویی می‌شود.

در نهایت می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که عوامل متعددی بر ارتباطات زناشویی تاثیر می‌گذارند اما ریشه اصلی موضوعاتی که بر کیفیت و رضایت از ارتباطات زناشویی موثرند به دوران کودکی و آگاهی نسبت به آنها برمی‌گردد که شکل دهنده نوع رابطه و انتظارات و رفتارهای فرد در مقابل همسر هستند. لذا می‌توان بینش نسبت به سبک‌های دلستگی و تاثیر آن بر



روابط را به عنوان یافته‌ای جدید مطرح کرد که برای حل یا پیشگیری از مشکلات زناشویی باید الگوهای دوران کودکی و بینش نسبت به آنها را مدنظر قرار داد.

نتیجه‌گیری:

به زوجین و افراد در آستانه ازدواج پیشنهاد می‌گردد با کمک درمانگران بالینی به شناخت طرحواره‌ها و سبک‌دلیستگی خود بپردازنند و از بینش بدست آمده نسبت به آنها در جهت ارتقا کیفیت ابعاد ارتباطات زناشویی خود بهره‌مند گردند. در پژوهش حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت که باید در تعمیم‌پذیری یافته‌ها جانب احتیاط رعایت شود، از جمله اینکه، پژوهشی مطابق با پژوهش حاضر در ایران انجام نشده است، لذا امکان مقایسه‌ی یافته‌ها با سایر پژوهش‌ها با محدودیت مواجه است. با توجه به محدودیت در تعمیم نتایج به دلیل بررسی این موضوع برای نخستین بار در ایران، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، گروه‌های جمعیتی مختلف و نمونه‌های بالینی مورد بررسی قرار گیرند. انجام این کار قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها و امکان مقایسه آنها را با هم فراهم می‌کند.

سپاسگزاری

از تمامی بزرگوارانی که در اجرای پژوهش همکاری لازم را داشتند از جمله اساتید، مدیران کلینیک‌های روانشناسی و شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر سپاسگزارم.

منابع:

- Carr, D. and K. W. Springer. Advances in families and health research in the 21st century. *Journal of Marriage and Family*. 2010; 72(3): 743–761.
- Talaizadeh F, Bakhtiyarpour S. The relationship between marital satisfaction and sexual satisfaction with couple mental health. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*. 2016;40(10)
- Ghafurian ghahramani s, Mahdavian A. Predicting Marital satisfaction based on Emaphy, Marital commitment and Attachment styles of married women in Tehran. *Clinical Psychology and Personality*. 2022;19(2):71-80.



Torabi F BA, Zareei H. Prediction of marital satisfaction based on the sensation-seeking and sexual knowledge. *Clinical Psychology Personality*. 2020;18(1):67_77.

Hajisharifi A. Knowledge of marriage and marriage. Tehran: hafez novin; 2011.

Piaget J. The child and reality:Problems of genetic psychology: Grossman Publishers; Eng ed edition; 1973.

Bowlby J. Attachment and toss London: Pelicans Book; 1969.

Sadock BJ SV, Kaplan. Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2015.

jeffery Y. Cognitive therapy for personality disorders: A schema- focused approach journal of Cognitive psychotherapy. 1990;6(2):79.

Shaeban M, Peyvastegar m, khosravi z. The effectiveness of the localized model of schema therapy on changing the schema of therapists. *The Journal Of Psychological Science*. 2021;20(100):511-20.

Jeffrey E. Young JSK, Marjorie E. Weishaar. Schema therapy: A practitioner's guide. 2003.

Shekari Ghandpazi F, Navabinejad S, Delavar A. Predicting the Family Function based on Early Maladaptive Schemas and Couples Communication Patterns (Case Study: Education). *Iranian Journal of Educational Sociology*. 2020; (۲)۳:۶۲-۹

Nasirharand M, Makvandy B, bavi s, Pasha R. Comparison of the effectiveness of schema therapy and compassion-focused therapy on marital life satisfaction and maladaptive schemas married women students of Ahvaz Azad University. *Psychological Achievements*. 2022;29(2):105-28.

Mehrpooya F, Jajarmi M, Alizadeh Mousavi E. The Inter-Structural Relationships between Early Maladaptive Schemas and Marital Commitment of Couples: The Mediating Role of Communication Patterns. 2021. 2021:8.

Esmaili SS MA, Hakami M. Predicting marital satisfaction on the basis of early maladaptive schema in married women. *International Journal of Medical Research Health Sciences*. 2016;5(6):70_262.



Hoseini Hoseinabad SF, Ghobari Banab B, Mashayekh M, Sodagar S, Farrokhi N. An Investigation of Predictive Marital Adjustment Base of Attachment Styles in Married Women. Journal of Community Health Research. 2018;7(3):147-54.

Crain W. theories of development: concepts and applications. 2017.

nematzadeh gatabi S, Vaziri S, lotfi kashani s. Investigating the modeling of communication patterns based on attachment styles mediated by coping styles. Scientific Journal of Social Psychology. 2022;9(62):69-82.

Besharat MA, Lahiji IA. Prediction of family function and life quality based on the attachment styles of couples. Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal. 2018;3(2):119-38.

Simpson JA. Influence of Attachment Styles on Romantic Relationships. Journal of Personality and Social Psychology. 1990;59:971-80.

adlparvar e, safaeirad i, erfani n, jadidi h. Modeling marital conflict based on attachment styles: The mediating role of early maladaptive schema domains in women on the verge of divorce. medical journal of mashhad university of medical sciences. 2022;65:-:(1)

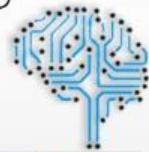
Beck E-M, Cavelti M, Kvrgic S, Kleim B, Vauth R. Are we addressing the 'right stuff' to enhance adherence in schizophrenia? Understanding the role of insight and attitudes towards medication. Schizophrenia Research. 2011.۴۲-۹:(1)۱۳۲;

Hamamci Z. Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. Social Behavior and Personality: an international journal. 2005;33(4):313_28.

Ellis A, Sichel JL, Yeager RJ, DiMatta DJ, DiGiuseppe R. Rational-emotive couples therapy: Pergamon Press; 1989.

Hania A, Amjad NJJotIAoAP. Implicit relationship beliefs and conflict resolution styles as predictors of marital satisfaction. 2016;42(2):256.

Moss E, Willoughby BJJoFS. Associations between beliefs about marriage and life satisfaction: The moderating role of relationship status and gender. 2018;24(3):274-90.



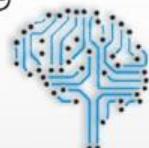
Behzadpour S, Pakdaman S and Besharat MA. The relationship between attachment and community seeking in adolescents: University of Tehran; 2001.

Yousefi N, Etemadi O, Bahrami F, Ahmadi SA, Fatehi zadah MA-S. Comparing Early Maladaptive Schemas Among Divorced and Non-divorced Couples as Predictors of Divorce. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2010;16(1):21-33.

Ghiasi M, Molavi M, Neshatdost H, Salavati M. The Factor Structure of Farsi Version of Young Schema Questionnaire-S3 in Two Groups in Tehran. Psychological Achievements. 2011;18(1):93-118.

Nunes C, Ferreira Ll, Ayala-Nunes L. The enrich marital satisfaction scale: Adaption and psychometric properties among at-risk and community portuguese parents. social and personal relationship. 2020;0.(·)

Yousefi r, Fathabadi j, Izanlo b. Study of psychometric properties and factorial structure of the Beck Cognitive Insight Scale(BCIS) in a nonclinical iranian sample. scientific magazine yafte. 2013;15(1):71-82.



The Intermediating Role of Cognitive Insight in Relation between Early Maladaptive Schemas and Attachment Styles and Different Dimensions of Marital Relationship

Negin Rahmani^{1*}, Mohammad Ali Goodarzi², Seyed Mohammad Reza Taghavi³

Abstract

Introduction: The purpose of this research is to investigate the relationship between attachment styles and primary maladaptive schemas with different dimensions of marital communication: investigating the mediating role of cognitive insight. **Method:** The current research design was correlation (regression). The statistical population of the current study consisted of all the married people of Isfahan city, of which 563 people were selected as the sample size using Baron Kenny's formula and included in the study. The research tools included Collins and Reed's adult attachment style questionnaire, primary maladaptive schemas questionnaire (short form), Enrich couple questionnaire and Beck's cognitive insight scale, which had good validity and reliability. **Findings:** The results of the research showed that secure attachment had the greatest role in predicting communication with a standardized regression coefficient of -0.245. which, in the presence of cognitive insight variable, has a role in predicting communication with a standardized regression coefficient of -0.140. Also, cognitive insight plays a mediating role in the relationship between primary schemas and different aspects of marital communication. Disturbed borderline with a standardized regression coefficient of 0.95 had the greatest role in predicting communication. The alertness variable with a standardized regression coefficient of 0.192 and the self-management variable with a standardized regression coefficient of 0.089 had a significant role in predicting communication in the presence of the cognitive insight variable.

Keyword: cognitive insight, maladaptive schemas, attachment styles, marital relationship.

1* M.A. in Clinical Psychology, College of Education and Psychology, Department of Clinical Psychology Shiraz University, Shiraz, Iran. (corresponding author)

2 PhD in Psychology, Professor at Department of Clinical Psychology, College of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

3 PhD in Psychology, Professor at Department of Clinical Psychology, College of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.